

رونق مشاغل فنی در آمریکا

مسیرهای عملی و مهارت محور، جایگزینی مطمئن برای دیپلم دانشگاهی فراهم کرده و فرصت‌های شغلی سریع‌تر و درآمد پایدارتر ارائه می‌دهند



حمیدرضا علی‌نیا

روزنامه نگار

بدهی‌های سنگین اجتناب‌کند. در عوض، در برنامه یک‌ساله خودروبی مؤسسه فنی یونیورسال ثبت‌نام و با دریافت بورس تحصیلی، مدرک کاردانی خود را با هزینه حدود ۱۸ هزار دلار کسب کرد.

مسیر موفقیت و درآمد پایدار

پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۲۰۱۷، موریلون وارد دوره‌های طولانی کارآموزی بدون حقوق یا انباشت بدهی نشد. شرکت تسلا او را مستقیماً به‌عنوان دستیار خدماتی استخدام کرد و ظرف یک سال، به تکنسین خدماتی ارتقا یافت. پیش از پیوستن به لوسید موتورز در سال ۲۰۲۱، چهار سال در تسلا کار کرد و اکنون در لوسید موتورز مشغول به کار است و حدود ۷۸ هزار دلار در سال درآمد دارد. این درآمد ثابت او را قادر ساخت به اهدافی دست یابد که بسیاری از هم‌نسلانش هنوز در آرزوی آن هستند. او در ۲۴ سالگی اولین خانه خود را خرید؛ تحقق رویای آمریکایی خانه‌دار شدن که مسیر دانشگاهی سنتی شاید آن را غیرممکن می‌کرد. طبق آمار انجمن ملی املاک ایالات متحده، میانگین سن اولین خرید خانه اکنون ۴۰ سال است. موریلون می‌گوید: «اگر دانشگاه رفته بودم، احتمالاً هنوز در خانه والدینم زندگی می‌کردم و در حال بازپرداخت بدهی‌های دانشجویی بودم، اما اکنون می‌توانم خودم و خانواده‌ام را از نظر مالی حمایت کنم.»

مزیت مالی مسیر فنی

میانگین وام دانشجویی فدرال برای هر وام‌گیرنده ۳۹ هزار دلار است. مسیر دانشگاه، علاوه بر چهار سال حضور در کلاس و پرداخت دهه‌ها بازپرداخت، اغلب ورود به درآمد ثابت را به تأخیر می‌اندازد. در مقابل، مسیر فنی، کارگران را سریع‌تر به درآمد پایدار می‌رساند و امکان دسترسی زودتر به اهداف مالی مانند مالکیت خانه و مشارکت در بازنشت‌نگی را فراهم می‌کند. با تغییرات اقتصادی و ورود هوش مصنوعی، بسیاری از مشاغل اداری بازسازی شده و استخدام سطح ابتدایی دشوارتر شده است؛ معنای «امنیت شغلی» بازتعریف شده است. در حالی که مشاغل فنی به سختی قابل اتوماسیون‌اند و ورود به آن‌ها بدون بدهی‌های دانشگاهی میسر است.

انتخاب هوشمندانه خانواده‌ها

این تحول به معنای نادرستی مسیر دانشگاهی نیست. مدرک دانشگاهی هنوز هم می‌تواند سرمایه‌گذاری قدرتمندی باشد، به‌ویژه برای مشاغلی که نیازمند آن هستند. اما موفقیت بیشتر در مشاغل فنی نشان می‌دهد خانواده‌ها باید دستمزدهای مورد انتظار را با بدهی‌ها مقایسه کرده، به دنبال برنامه‌های کارآموزی باشند و مسیری را انتخاب کنند که بهترین بازده را در اقتصادی در حال تغییر ارائه دهد.

منبع: moneywise.com

ایمنی تحصیلات عالی، فاصله‌ای که دانشگاه را به مسیر امنی تبدیل می‌کرد، به باریک‌ترین حد خود در دهه‌ها رسیده است.

ارتقای اهمیت آموزش فنی

در چنین شرایطی، برنامه‌های آموزشی فنی از جایگزینی احتیاطی فراتر رفته و به گزینه‌ای استراتژیک تبدیل شده‌اند. هزینه تحصیل در مدارس فنی بین ۴ تا ۱۷ هزار دلار است؛ رقمی کمتر از یک چهارم میانگین ۳۹ هزار دلاری دانشگاه‌های چهار ساله سنتی. برخلاف مسیر دانشگاهی که اغلب با بدهی و نظریه‌هایی همراه است که ممکن است هیچ‌گاه کاربرد نداشته باشد، مسیر فنی امکان کسب درآمد همزمان با یادگیری را فراهم می‌آورد. دوره‌های کارآموزی، آموزش عملی و اعتبارات مالیاتی می‌توانند هزینه‌ها را پوشش دهند و همزمان مهارت‌های واقعی و قابل عرضه در بازار را ارائه کنند.

شغل‌های غیرقابل جایگزینی

شغل‌های فنی به دلیل غیرقابل اتوماسیون بودن، محبوبیت یافته‌اند. شمانمی توانیدیک لوله‌تربکیده یاسیم برق خراب را با هوش مصنوعی تعمیر کنید. برق کاران، لوله‌کش‌ها، جوشکاران و مکانیک‌ها همچنان ستون فقرات اقتصاد آمریکا هستند و سرمایه‌گذاری‌های فدرال

دیگر داشتن مدرک دانشگاهی تضمین‌کننده ورود سریع به بازار کار نیست. تحقیقات تازه نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، با وجود بدهی‌های سنگین و هزینه‌های تحصیل بالا، دیگر مزیت رقابتی سابق را ندارند. مسیرهای آموزشی فنی و مهارت‌های عملی فرصت‌های شغلی گسترده و درآمد پایدار ارائه می‌دهند و این تحول، بازتعریف امنیت شغلی و بازنگری خانواده‌ها در سرمایه‌گذاری آموزشی را ضروری ساخته است.

سابقه وعده دانشگاهی

نسل‌های پیشین، با چهار سال حضور در کلاس‌ها، امتحانات میان‌ترم و هزینه‌های گزاف کتاب‌های درسی، به امید شغلی ثابت و پردرآمد از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شدند. این وعده برای دهه‌ها معتبر بود. بررسی‌های بانک فدرال رزرو کلپولند نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی همواره سریع‌تر شغل می‌یافتند، نرخ بیکاری پایین‌تری داشتند و دستمزد بالاتری نسبت به دیپلمه‌ها دریافت می‌کردند. اما فرسودگی این شبکه ایمنی تدریجی آغاز شد. گادلوانسون، اقتصاددان ارشد مؤسسه برننگ گلس، در مصاحبه‌ای با CNBC تصریح کرد: «برای نخستین بار در تاریخ مدرن، مدرک کارشناسی تضمینی برای اشتغال حرفه‌ای نیست.» تحلیلگران گلدمن ساکس نیز دریافته‌اند که پاداش

66

شغل‌هایی

که قابلیت

اتوماسیون

ندارند،

تقاضایی

فزاینده دارند

و سرمایه

گذاری‌های

زیرساختی

فدرال، آن‌ها

رابه‌گزینه‌ای

جذاب برای

جوانان تبدیل

کرده است

داغ‌های گرسنگی بر چهره سال ۲۰۲۵

۱۶ منطقه در جهان با خطر شدید بحران غذایی مواجه‌اند؛ بدون اقدام فوری، دسترسی میلیون‌ها نفر به غذا به شدت محدود خواهد شد

به تازگی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و برنامه جهانی غذا (WFP) گزارش مشترکی منتشر کردند که ننگ خطر را درباره وضعیت امنیت غذایی در جهان به صدا درمی‌آورد. هر دو نهاد هشدار می‌دهند که «فرست برای جلوگیری از گرفتار شدن میلیون‌ها نفر دیگر در ناامنی حاد غذایی رویه کاهش است.» این گزارش شانزده منطقه در سراسر جهان را شناسایی می‌کند که در آن‌ها خطر بروز بحران شدید غذایی در حال افزایش است؛ وضعیتی که بدون اقدام فوری و هماهنگ، می‌تواند به بحران‌های بزرگ انسانی منجر شود.

جنگ، مسیر غذا را می‌بندد

در بیشتر کشورهایی که در گزارش ذکر شده‌اند، درگیری مسلحانه، علت اصلی کمبود غذاست. خشونت طولانی‌مدت، تخریب زمین‌های قابل کشت، آوارگی گسترده و مسدود شدن مسیرهای کمک‌رسانی همگی دسترسی به غذا را به شدت کاهش می‌دهند. سودان یکی از بحرانی‌ترین مناطق است. پس از ماه‌ها درگیری شدید، میلیون‌ها نفر در بخش‌هایی گرفتار شده‌اند که در آن بازارها فروپاشیده و توزیع کمک‌ها عملاً ناممکن شده است. فائو هشدار می‌دهد که برخی مناطق ممکن است به زودی به آستانه‌های فنی فحطی نزدیک شوند، اگر نژوان وضعیت را تثبیت کرد. یمن نیز وضعیتی مشابه دارد. در یمن بیش از ۴۰ درصد جمعیت در سطوح شدید بحران غذایی به سر می‌برند. تخریب زیرساخت‌های حیاتی و کمبود سوخت، ورود کالاهای وارداتی را مختل کرده است. وارداتی که بخش عمده رژیم غذایی کشور بر آن‌ها متکی است. این گزارش تأکید می‌کند که در فلسطین بی‌ثباتی مزمن و محدودیت بر جابه‌جایی کالاهای حیاتی، دسترسی به غذا را بیش از پیش کاهش داده و موجب وخامت سریع شاخص‌های تغذیه‌ای شده است.

وضعیت در مالی و بورکینافاسو نیز نگران‌کننده است؛ جایی که ناامنی و بی‌ثباتی در کنترل مناطق باعث اختلال در بازارها، ایجاد مانع در تجارت محصولات کشاورزی و خسارت چشمگیر در تولیدات زراعی شده است. در بورکینافاسو، فقیرترین خانوارهایی که در مناطق درگیر زندگی می‌کنند، طبق آخرین ارزیابی امنیت غذایی، با «اختلال در بازار و کمک‌رسانی بسیار محدود» روبه‌رو هستند.

این روندها در مالی نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که شرایط مشابه باعث «وخامت سریع مصرف غذایی و سطح تغذیه در مناطق محلی» شده است. این ارزیابی با داده‌های «مقیاس طبقه‌بندی مراحل امنیت غذایی» (IPC) نیز پشتیبانی می‌شود؛ داده‌هایی که نشان می‌دهد حدود ۵۲ درصد جمعیت کشور در سپتامبر ۲۰۲۵ با مصرف ناکافی غذا مواجه بوده‌اند.

شکندگی با شوک اقتصادی

عامل دوم ناامنی غذایی، بی‌ثباتی اقتصادی است؛ وضعیتی که با افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش ارزش پول ملی و بالا رفتن قیمت سوخت و نهاده‌های کشاورزی خود را نشان می‌دهد. در هائیتی این وضعیت با خشونت و اختلال در عملکرد طبیعی بازارها تشدید شده و میلیون‌ها نفر را به شدت آسیب‌پذیر کرده است. حدود ۵.۷ میلیون نفر، یعنی بیش از نیمی از جمعیت کشور، هم‌اکنون با ناامنی حاد غذایی روبه‌رو هستند و این عدد همچنان رو به افزایش است. شرایط مشابهی هم در میانمار و اتیوپی دیده می‌شود؛ جایی که کاهش ارزش پول ملی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی، قیمت مواد غذایی اساسی را بالا برده و قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده است.

نکته
P 0 1 N 1

افزایش اشتغال

پاره‌وقت در اروپا

نرخ اشتغال پاره‌وقت در اروپا به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و الگوی کار در حال تغییر است. یورواستات گزارش می‌دهد در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۷.۱ درصد شاغلان اتحادیه اروپا پاره‌وقت فعالیت کرده‌اند، معمولاً کمتر از ۳۰ ساعت هفتگی. این روند نه تنها ناشی از تمایل کارکنان به تعادل میان زندگی و کار است، بلکه شرکت‌ها نیز برای کاهش هزینه و مدیریت تقاضا، آن را جذاب می‌دانند. سیاست‌های انعطاف‌پذیر و تحولات اقتصادی این شکل اشتغال را شاخصی کلیدی کرده است.

با این حال، داده‌ها نشان‌دهنده شکاف چشمگیر میان کشورهای اروپایی است. سوئیس با ۴۰ درصد و هلند با ۳۸.۹ درصد بالاترین نرخ اشتغال پاره‌وقت را دارند، در حالی که آلمان و اتریش حدود ۳۰ درصد از نیروی کار خود را به صورت پاره‌وقت به کار گرفته‌اند. در مقابل، بلغارستان با تنها ۱.۵ درصد پایین‌ترین نرخ را ثبت کرده و کشورهای بوسنی و هرزگوین، رومانی، کرواسی، اسلواکی و مجارستان همگی کمتر از پنج درصد اشتغال پاره‌وقت دارند. این شکاف منطقه‌ای آشکار می‌کند که کار پاره‌وقت در اروپای غربی و شمالی بسیار رایج‌تر است و در شرق اروپا و حوضه بالکان کم‌رنگ‌تر باقی مانده است. تفاوت‌های ساختاری، سطح توسعه اقتصادی و نوع بازار کار از جمله دلایلی هستند که این تفاوت‌ها را توضیح می‌دهند.

زنان، جوانان و سالمندان بیشترین گرایش را به اشتغال پاره‌وقت دارند. در هلند، نرخ اشتغال زنان ۱۲.۷ درصد بالاتر از میانگین اتحادیه اروپا است و اشتغال جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال بیش از ۴۰ درصد بالاتر ثبت شده است. همچنین افراد ۶۰ تا ۶۴ سال نیز نرخ اشتغال بالاتری دارند. در مقابل، در کشورهایی مانند بلغارستان، نرخ اشتغال جوانان کمتر از نصف میانگین اتحادیه اروپا است، عاملی که سهم پایین اشتغال پاره‌وقت را در این کشورها توجیه می‌کند. الگوهای مشابه در سایر کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که ترکیب جمعیتی و گروه‌های هدف شغلی نقش کلیدی در گسترش یا محدودیت اشتغال پاره‌وقت دارد و سیاست‌های ملی و حمایت‌های اجتماعی تأثیر مستقیمی بر این روند دارند.

ساختار اقتصادی و نوع فعالیت‌های شغلی نیز تعیین‌کننده است. در اقتصادهای خدمات‌محور غربی مانند سوئد، هلند و لوکزامبورگ، که بیش از ۸۰ درصد اشتغال در بخش خدمات شکل می‌گیرد، نیاز به انعطاف زمانی بیشتر است و اشتغال پاره‌وقت نقش محوری دارد. در آلمان نیز الگوهایی مانند مینی‌جاب‌ها سهم مهمی در توسعه این نوع اشتغال ایفا کرده‌اند. در مقابل، کشورهای شرق اروپا که اقتصاد تولیدمحور دارند، همچنان شغل‌های تمام‌وقت غالبند و کار پاره‌وقت کمتر به صرفه‌یاجذاب است. سطح دستمزد نیز در این میان نقش دارد؛ در کشورهای پردرآمد، کار پاره‌وقت می‌تواند درآمد کافی ایجاد کند، اما در کشورهای کم‌درآمد اقتصادی نیست و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. شکاف جنسیتی نیز در این الگوها برجسته است؛ ۲۷.۸ درصد زنان در مقابل تنها ۷.۷ درصد مردان در اروپا پاره‌وقت کار می‌کنند و در برخی کشورها مانند سوئیس، هلند و اتریش بیش از نیمی از زنان شاغل به این شکل فعالیت دارند. ریشه این شکاف به دهه‌های پیش بازمی‌گردد و عواملی چون هنجارهای فرهنگی، نبود زیرساخت‌های حمایتی برای مادران شاغل، کاهش قدرت خرید و قوانین کار انعطاف‌پذیر بر آن تأثیر گذاشته‌اند.